

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

نقش انگیزه دانش آموزان در یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنها؛ با تاکید بر نظریه انتساب

فاطمه دمیری

دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان
Fateme.damiriii77@gmail.com

چکیده

انگیزه یکی از محرکه‌هایی است که وجود آن در هر کاری می‌تواند باعث با قدرت و تلاش بیشتری ادامه داد. یکی از مهمترین مسائل در سنین نوجوانی تحصیل می‌باشد. اگر دانش آموز بدون انگیزه و در حالت کلی بدون تلاش و پشتکار اقدام به درس خواندن نکند، در نهایت نتیجه نخواهد گرفت و یا نتیجه غیر قابل قبولی خواهد گرفت. به همین منظور بر آن شدیم نقش انگیزه را در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بررسی کنیم. روش تحقیق مقاله حاضر از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد که با بهره‌گیری از منابع معتبر انجام شد. در پایان پس از مطالعات انجام شده دریافتیم که انگیزش و فنون ایجاد آن در القای یادگیری مؤثر اثرگذار است و به نقش کلیدی آن به عنوان یک عامل ارزشمند در ویژگی‌های معلمان اذعان کرد. می‌بایستی در راستای نیل به اهداف عالی آموزش و پرورش که حیات طیبه است و نظر به ضرورت ایجاد یادگیری اثربخش باید شیوه صحیح استفاده از فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان با توجه به نقش اساسی انگیزش در یادگیری، مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: انگیزه، انگیزش، دانش آموزان، یادگیری.

۱- مقدمه

هر یک از ما در زندگی روزانه‌مان به این نکته متوجه می‌شویم که مردم، همگی، فعالیت‌های یکسان ندارند و حتی از یک شخص همیشه فعالیت‌های یکسان سر نمی‌زنند. مثلاً هر کس شغلی را دوست می‌دارد و آن را بر سایر مشاغل ترجیح می‌دهد. مردم کاری را می‌کنند که برای آن برانگیخته شده‌اند. این واقعیت را هر معلم می‌تواند به آسانی در میان محصلانش مشاهده کند. یعنی معلم می‌بیند که همه محصلان او به همه درس‌ها علاقه نشان نمی‌دهند یا همه موضوعهای یک درس نیز، حتی برای یک محصل، جالب نیستند. پس ما همیشه با این پرسش مهم و اساسی مواجه می‌شویم که: چرا مردم رفتارهای متفاوت دارند؟ به بیان دیگر، چه عواملی سبب می‌شوند که مردم به فعالیت‌های مختلف بپردازند؟ بحث از بررسی این قبیل عوامل و علل رفتار در روان‌شناسی زیر عنوان «انگیزش» انجام می‌گیرد. و بحث از انگیزش، در واقع، بحث از «علیت رفتار» است یعنی روشن ساختن اینکه چرا مردم رفتارهای متفاوتی با درجات متفاوت دارند (شعاری نژاد، ۱۳۹۴).

افراد همیشه انگیزه دارند، در واقع هیچ وقت بی‌انگیزه نیستند. اما ممکن است آنها برای انجام آنچه که ما ترجیح می‌دهیم، انگیزه‌ای نداشته باشند. بنابراین، هرگز نمی‌توان گفت که افراد بی‌انگیزه‌اند (Combs, 1962). انگیزش رفتار، همانند یادگیری و شناخت، یک چیز یا حادثه خاصی نیست که مستقیماً قابل مشاهده باشد؛ بلکه ترکیب ساخته‌ای است که جنبه‌های خاص رفتار را توصیف می‌کند. دو جنبه از رفتار را با مفهومی‌های تحریک و انگیزش توصیف می‌کنند که عبارت‌اند از «توجیه رفتار» یا هدفی که رفتار فرد به سوی آن متوجه است و «انرژی» متناسبی که در آن رفتار، صرف می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی می‌توان دریافت که رفتار، «برانگیخته» شده است که هدف معینی را دنبال کند یا شدت و بروز انرژی در سطحی است که با وضع قبلی تفاوت دارد (شعاری نژاد، ۱۳۹۰).

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

حاصل رویکردهای جدید انگیزشی این است که دانش آموزان قادر به درک روابط بین باورها، احساسات و انگیزه‌هایشان هستند. آنان می‌توانند در سطوح عالی‌تر درک و هوشیاری، محتوای افکار و فرآیندهای تفکر خود را کنترل کنند و به نقش افکارشان پی ببرند و از اینکه می‌توانند خود را با انگیزه سازند، آگاه شوند (مک کومبز و پاپ، ۱۳۸۸). بهترین راه ایجاد انگیزش در یادگیرندگان نسبت به یادگیری بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفیت روشهای آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان در یادگیری به موفقیت بیشتر می‌رسند، و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می‌دهد (سیف، ۱۳۹۴). در این قسمت به تعریف سه مفهوم کلیدی مورد استفاده خواهیم پرداخت:

۱- انگیزش: انگیزش، نیرویی که به رفتار انرژی می‌دهد و آن را به سوی یک هدف هدایت می‌کند (Baron, 1992).

۲- یادگیری: یادگیری، تمام تغییرات در رفتار می‌باشد که بر اثر تجربه ایجاد می‌شود (Domjan, 1998).

۳- انگیزش یادگیری: فرایندهای روانشناختی که رفتار دانش‌آموزان را در جهت یادگیری هدایت و حفظ می‌کنند (Moreno, 2010).

۱-۱- بیان مساله

عوامل مختلفی در ایجاد یک یادگیری اثربخش دخیل است که یکی از مهمترین آنها، انگیزش می‌باشد. انگیزه، عاملی است که باعث افزایش انرژی و سرعت فرد در هر کاری می‌شود؛ حال آنکه، ایجاد انگیزش یادگیری در یادگیرندگان برای القای یادگیری اثربخش با استفاده از فنون و روشهای صحیح امکانپذیر می‌باشد. در این مقاله به منظور دستیابی به این هدف، با توجه به اهمیت جایگاه انگیزش در یادگیری، بر آن شدیم تا به تبیین فنون مختلف ایجاد انگیزش یادگیری در یادگیرندگان بپردازیم.

۲-۱- پیشینه تحقیق

بهنام تقی‌پور در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای تحت عنوان «انگیزش و یادگیری؛ مؤلفه‌های تعیین‌کننده در موفقیت آموزش» اظهار می‌کند که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی آموزش و پرورش است و با توجه به اینکه انگیزش یادگیری به عنوان یکی از ابعاد انگیزش است، شامل مجموعه رفتارهایی می‌باشد که منجر به یادگیری و پیشرفت تحصیلی می‌شود. پس به همین منظور، توجه ویژه به فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان برای رسیدن به یادگیری اثربخش و پیشرفت تحصیلی امری الزامی است؛ چراکه در بیشتر مواقع مشکل دانش‌آموزان فهم مطالب آموختنی نیست بلکه بی‌انگیزه بودن نسبت به تحصیل است. در نهایت این‌گونه عنوان می‌کند که بی‌انگیزگی نسبت به تحصیل موجب افت تحصیلی، عدم یادگیری و اتلاف منابع مالی و انسانی می‌شود (تقی‌پور، ۱۳۹۷).

۲- یافته‌ها

معلمانی می‌بینند که همه محصلان نسبت به ایشان یکسان واکنش نشان نمی‌دهند؛ میزان پیشرفت تحصیلی یکسان ندارند؛ گاهی حتی در محصلان پیشرفته، عقب‌ماندگی‌هایی به چشم می‌خورند؛ و... مطالعه مبحث انگیزش به معلم کمک می‌کند که عامل‌های مؤثر در رفتار و رغبت‌های محصلان را بشناسد، و بداند که چگونه می‌توان آنها را به یادگیری بهتر و بیشتر برانگیخت. در واقع، همه افراد بشر به مطالعه چند و چون این فرایند انگیزش (علیت رفتار) نیاز دارند. و این موضوع محوری روان‌شناسی است (شعاری نژاد، ۱۳۹۰). بنابراین، می‌توان گفت که انگیزه، در زندگی موجود زنده، جایگاه بسیار مهمی دارد و اولین عنصر تشکیل دهنده رفتار است (گنجی، ۱۳۸۸).

کلید از لحاظ پرورشی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به عنوان هدف، ما از دانش‌آموزان و دانشجویان می‌خواهیم نسبت به موضوعهای مختلف علمی و اجتماعی علاقه کسب کنند (دارای انگیزه باشند). از این‌رو، تمام برنامه‌های درسی که برای آنها فعالیت‌های مربوط به جنبه‌های عاطفی در نظر گرفته شده است دارای هدفهای انگیزشی هستند. به عنوان وسیله، انگیزش به

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

صورت آمادگی روانی یک پیش نیاز یادگیری به حساب می‌آید و تأثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است. اگر دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به درس بی‌علاقه باشند (دارای انگیزش سطح پایینی باشند)، به توضیحات معلم توجه نخواهند کرد، تکالیف خود را با جدیت انجام نخواهند داد، و بالاخره پیشرفت چندانی نصیب آنها نخواهد شد. اما اگر نسبت به درس علاقه‌مند باشند (دارای انگیزش سطح بالایی باشند)، هم به توضیحات معلم با دقت گوش خواهند داد، هم تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد، هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطلب درسی خواهند رفت، و هم پیشرفت زیادی نصیب آنها خواهد شد (سیف، ۱۳۹۴).

فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان

۱- از تشویق‌های کلامی در شرایط مناسب استفاده کنید.

وقتی معلم به خود زحمت می‌دهد و در دفترچه تکلیف دانش‌آموزان اظهارات تشویق‌آمیزی می‌نویسد، این اظهارات بر کوشش، دقت، نگرش یا هر آنچه سبب افزایش یادگیری دانش‌آموزان می‌شود تأثیر چشم‌گیری برجای می‌گذارد. این تأثیر از توانایی دانش‌آموز برای یادگیری مستقل است (Page, 1958).

۲- از خاصیت برانگیزانندگی موضوعات مختلف استفاده کنید و آموزش را با تجارب و موارد جالب ترکیب کنید.

به دانش‌آموزان بگویید یک مهمان جالب برای شما خواهد آمد. آن‌گاه در لباس نویسنده یک داستان ظاهر شوید و درباره خودتان و نوشته‌تان صحبت کنید (Woolfolk, 2004).

۳- در ابتدای درس هدفهای آموزشیتان را به دانش‌آموزان بگویید و از آنها بخواهید تا هدفهای یادگیری خودشان را داشته باشند. ندادن اطلاعات ضروری به یادگیرندگان درباره نتایج فعالیتهای یادگیری‌شان یا ایجاد انتظارات منفی در آنان درباره کاری که باید انجام دهند منجر انگیزه یادگیری سطح پایین در آنها خواهد شد (Gage & Berliner, 1984). به طور کلی، هدفهای یادگیرندگان زمانی بیشترین تأثیر را بر انگیزش آنان دارد که دقیق و قابل دستیابی باشد و باور کنند که رسیدن به هدفها برایشان مهم است (Festco, & McClure, 2005).

۴- مشوقهای درونی و بیرونی را بکار بگیرید.

بسیاری از دانش‌آموزان با اشتیاق درسهای مکانیکی اتومبیل یا عکاسی را انتخاب می‌کنند و برای یادگیری آنها سخت می‌کوشند. برای این دانش‌آموزان خود فعالیت یادگیری جنبه تشویقی دارد و نیازی به مشوق بیرونی نیست (Slavin, 1991).

۵- مطالب آموزشی را از ساده به دشوار ارائه دهید.

ارائه مطالب درسی به صورت متوالی، از ساده به دشوار، موجب می‌شود که یادگیرندگان ابتدا در یادگیری مطالب ساده به اندازه کافی موفقیت به دست آورند. این کسب موفقیت اولیه انگیزش یادگیرنده را برای یادگیری‌های بیشتر افزایش می‌دهد و بر آمادگی او می‌افزاید. علاوه بر این، کسب پیشرفت غالباً به دریافت پاداش و تأیید از سوی معلم و والدین منجر می‌شود، که این خود یکی از عوامل مهم انگیزشی به شمار می‌آید (سیف، ۱۳۹۴).

۶- به دانش‌آموزان مسائل و تکالیفی محول کنید که نه خیلی ساده و نه خیلی سخت باشند.

یادگیرندگان زمانی از بیشترین میزان انگیزش برای یادگیری برخوردارند که سطح چالش‌انگیزی تکالیف یادگیری متوسط باشد (Festco, & McClure, 2005).

۷- مانع ایجاد فضای رقابتی در بین دانش‌آموزان شوید.

تحقیقاتی که درباره تأثیر رقابت انجام شده است، نشان داده‌اند که رقابت وقتی اثربخشی بهتری دارد که افراد توانایی لازم برای موقّعیّت را داشته باشند (Michaels, 1977). رقابت می‌تواند در موقعیتهایی که افراد دارای توانایی‌های متنوعی هستند، نیز مفید باشد. به نظر می‌رسد که فایده‌ی رقابت به تکالیف ساده یا مکانیکی محدود باشد و حل مسائل پیچیده‌تر را شامل نمی‌شود (Clifford et al, 1972).

۸- انتظارات معلم می‌تواند یک عنصر انگیزشی بحساب بیاید.

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

رفتار متفاوتی که بیانگر انتظارات پائین از کودکان است، سهواً می‌تواند به تأیید پیش‌بینی‌های آنها درباره‌ی توانایی‌شان بیانجامد و باعث شود تا کمتر تلاش کرده و سرانجام عملکرد ضعیف‌تری داشته باشند (Weinstein, 1998).

۹- یادگیری مشارکتی منجر به تقویت پیشرفت تحصیلی می‌شود.

معلم باید به این نکته مهم توجه کند که تنها کنار هم گذاشتن دانش‌آموزان برای تشکیل یک گروه کافی نمی‌باشد. باید به دانش‌آموزان کمک کرد و آنها را تشویق کنیم که با حفظ مسئولیتشان برای رسیدن به هدف‌های گروهی تلاش کنند (Slavin, 1991).

۱۰- از فعالیتهای واقعی استفاده کنید، یعنی فعالیتهایی که با زندگی واقعی گره خورده‌اند (Cruickshank et al, 2006).

انسان بیشتر توانایی خود را از طریق یادگیری کسب می‌کند و در این میان، انگیزه تحصیلی از عوامل مؤثر یادگیری یادگیرندگان است. انگیزش در آموزش و پرورش و نقش آن در یادگیری از دیرباز مورد توجه روان‌شناسان پرورشی قرار گرفته است. انگیزش هم پیش‌نیاز و هم هدف یادگیری می‌باشد. دانش‌آموزانی که انگیزش بالا دارند نسبت به یادگیری مشتاق و سخت‌کوش هستند و به راحتی از موانع و مشکلات عبور می‌کنند. به‌طور کلی نظریه‌های انگیزش تحصیلی پذیرفته‌اند که انگیزش تحصیلی به طور مثبت عملکرد دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قربان نژاد، ۱۳۸۹).

برانگیختگی در ایجاد تعادل بین انگیزش-یادگیری، یک متغیر مهم به‌شمار می‌رود. برانگیختگی، هم یک حالت روان‌شناختی و هم یک حالت فیزیولوژیکی است. از لحاظ روان‌شناختی، برانگیختگی به هوشیاری، دقت و گوش به زنگ بودن اشاره دارد (پارسونز و همکاران، ۱۳۸۸). ارتباط بین برانگیختگی-انگیزش-یادگیری، ارتباط خطی و مستقیم بایکدیگر ندارند که بیشتر بودن، بهتر بودن را به دنبال داشته باشد. برانگیختگی باید در بهترین سطح خود باشد، زیرا کم‌بودن بیش از اندازه یا خیلی زیاد بودن آن می‌تواند مضر باشد (Morris, 1988).

نظریه انگیزشی انتساب (نظریه‌ی اسناد)

نظریه نسبت دادن انگیزش به ما می‌گوید که چگونه تبیین‌ها، توجیه‌ها، و بهانه‌های فرد درباره خودش و دیگران بر انگیزش او تأثیر می‌گذارند (Woolfolk, 2004). نظریه‌ی اسناد واینر می‌کوشد تا اینکه افراد علت رفتار خود را چه می‌دانند، شرح دهد و این که چطور امکان دارد که باورهای آنها در رفتار بعدیشان اثر بگذارد (Fiske, & Taylor, 1984).

واینر اعتقاد دارد که دانش‌آموز قبل از آن که درباره‌ی تکلیف پیش‌روی خود، کاری انجام دهد، نخست آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و سپس آن چه را که او اسناد علی می‌نامد، می‌سازد. بدین معنی که، دانش‌آموز برآورد می‌کند که نتیجه‌ی فعالیت او احتمالاً بیشتر تحت تأثیر کدام یک از این عوامل خواهد بود: توانایی او، تلاش او، شانس، یا میزان دشواری تکلیف. نظریه‌ی اسناد واینر تلاش می‌کند تا به شکل نظام‌دار تعبیر و تفسیر شاگردان درباره‌ی شکست و موفقیت در موقعیت‌های کلاسی را توصیف کند. بنا به این نظریه، شناخت اسنادهای دانش‌آموز، کلید شناخت انگیزش دانش‌آموز است. طبق نظریه‌ی اسناد، افراد موفقیت و شکست خود را به چهار عامل نسبت می‌دهند: توانایی، تلاش، شانس (خوب یا بد)، و دشواری تکلیف (پارسونز و همکاران، ۱۳۸۸).

بنا به نظریه واینر، علت‌هایی که افراد برای شکست‌ها و موفقیت‌هایشان برمی‌گزینند دارای سه بعد یا سه جنبه زیر است:

۱- مکان کنترل، یعنی موقعیت یا منبع علت موفقیت و شکست در رابطه با فرد (درونی یا بیرونی). نظریه مکان کنترل از آن جولیان روتر است و درباره نظام اعتقادی افراد در رابطه با منابع تقویتی تدوین شده است. در این نظریه چنین فرض شده که افراد از لحاظ اعتقاد به مکان کنترل به دو دسته تقسیم می‌شوند: (۱) گروهی که موفقیت‌ها و شکست‌های خود را به شخص خود، و (۲) گروهی که موفقیت‌ها و شکست‌های خود را به عوامل محیطی بیرون از خود نسبت می‌دهند. گروه اول که موفقیت‌ها و شکست‌های خود را عموماً به شخص خود (مثلاً، توانایی یا کوشش شخصی) نسبت می‌دهند افراد دارای منبع درونی کنترل نامیده شده‌اند، و گروه دوم که موفقیت‌ها و شکست‌های خود را معمولاً به عوامل بیرون از خود (مثلاً، سطح دشواری تکلیف یا بخت و اقبال) نسبت می‌دهند افراد دارای منبع بیرونی کنترل نام گرفته‌اند (سیف، ۱۳۹۴). خوشبختانه، منبع کنترل یک گرایش یا

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

جهت‌گیری ثابت و غیر قابل تغییر نیست؛ بلکه یک ادراک آموخته شده است که می‌توان آن را تغییر داد. اما، این تغییر صرفاً بر اثر یک موفقیت یا شکست در یک تکلیف اتفاق نمی‌افتد. هر اندازه باور دانش‌آموز برای کنترل نتایج -موفقیت و شکست- قوی‌تر باشد، منبع کنترل درونی رشد بیشتری خواهد داشت (پارسونز و همکاران، ۱۳۸۸). دانش‌آموز دیر رسیدن به کلاس درس را به دیر از خانه خارج شدن (درونی) نسبت می‌دهد نه به عوامل مبهم بیرونی. دانش‌آموزی که در یک درس نمره ضعیفی گرفته ممکن است چنین استدلال کند که نمره ضعیف او ناشی از غرض‌ورزی معلم بوده است (Bell-Gredler, 1986).

۲- ثبات به ادراک و برداشت شخص درباره‌ی این که آیا علت عملکرد او در طول زمان تغییر خواهد کرد یا نه، اشاره دارد (پارسونز و همکاران، ۱۳۸۸). بعد ثبات یا عدم ثبات، پایه انتظارات دانش‌آموزان را برای موفقیت یا شکست در آینده را می‌سازد (Weiner et al, 1983).

۳- منظور از کنترل پذیری، درجه‌ای است که فرد بر علت‌های موفقیت یا شکست، کنترل دارد (سید محمدی، ۱۳۹۴). در مورد یادگیرنده‌هایی که سابقه شکست دارند، معلمان مخصوصاً باید نسبت به نشانه‌هایی که ممکن است اعتقاد افراد را به توانایی‌هایشان بیشتر تضعیف کند، هوشیار باشند (سید محمدی، ۱۳۹۴). مشکل بزرگ آموزشی معلمان وجود دانش‌آموزانی است که دارای مفهوم خود (خودپنداره) سطح پایینی هستند. این مفهوم خود ضعیف از شکست‌های پیاپی آنان در یادگیری ناشی شده است. این دانش‌آموزان بین موفقیت‌ها و اعمال خود ارتباط نزدیکی نمی‌بینند و شکست خود را به فقدان توانایی نسبت می‌دهند. این نوع اسنادها ناسازگارند و باید آنها را تغییر داد. برای این منظور، شرایط آموزشی باید بر یادگیری تأکید کند نه بر پیشرفت. تأکید بر یادگیری مشوق کوشش‌های دانش‌آموز است و از طریق تأکید بر فعالیت دانش‌آموز، به عوض تأکید بر درست بودن یا غلط بودن پاسخ او، بازخوردهای لازم فراهم می‌شوند و اشتباهات اصلاح می‌گردند (سیف، ۱۳۹۴).

۳- بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی ارتباط انگیزش و نحوه ایجاد یک یادگیری اثربخش پرداخته است. ابتدا انگیزش، یادگیری و انگیزش یادگیری تعریف گردید و سپس فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. در تحقیقی در سال ۱۳۹۷، بهنام تقی‌پور نشان داد که توجه به فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان برای جلوگیری از هدر رفتن منابع مالی و انسانی نظام آموزشی، امری ضروری است. در نهایت اینکه تحقیق صورت گرفته کاملاً بیانگر این است که انگیزش و فنون ایجاد آن در القای یادگیری مؤثر اثرگذار است و به نقش کلیدی آن به عنوان یک عامل ارزشمند در ویژگی‌های معلمان اذعان کرد؛ چراکه به بیان ایشان اکثر مواقع مشکل دانش‌آموزان فهم مطالب آموختنی نیست بلکه بی‌انگیزگی نسبت به آموزش و یادگیری می‌باشد. همچنین، در پایان این مقاله نیز جایگاه نظریه انگیزشی انتساب در آموزش مشخص گردید.

حال آنکه نگارنده پیشنهاد می‌کند، در راستای نیل به اهداف عالی آموزش و پرورش که حیات طیبه است و نظر به ضرورت ایجاد یادگیری اثربخش باید شیوه صحیح استفاده از فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان با توجه به نقش اساسی انگیزش در یادگیری، مورد استفاده قرار گیرد. این مهم از طرق مختلف امکان‌پذیر می‌باشد؛ به طور مثال، تشکیل کلاس‌های ضمن خدمت و تدریس کتبی مانند «انگیزش در کلاس درس» اثر چریل لین اسپالدینگ و ترجمه اسماعیل سعدی‌پور و محمدرضا نائینیان و همچنین کتاب «انگیزش در یادگیری و آموزش (نظریه‌ها و کاربردها)» اثر دکتر حسین کارشکی و دکتر نیکچهره محسنی. همچنین به آسانی می‌توان اثبات نمود که معلمان با فنون ایجاد انگیزش یادگیری و شیوه‌های اصلاح و تغییر رفتار دانش‌آموزان بیگانه هستند، لذا علاوه بر احساس نیاز به آموزش معلمان در این زمینه، به کارگیری مشاوران در مدارس نیز از اوجب واجبات است.

منابع

پارسونز، ریچارد، لوئیس هینسون، استفان و ساردو-براون، دیورا (۱۳۸۸). روان شناسی تربیتی: تحقیق، تدریس، یادگیری، ترجمه حسن اسد زاده و حسین اسکندری، چاپ دوم. انتشارات عابد.

تقی پور، بهنام (۱۳۹۷). انگیزش و یادگیری؛ مولفه های تعیین کننده در موفقیت آموزش، پنجمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی)، تهران، خانه فرهنگ مشارکتی ایران، اسفند.

سید محمدی، یحی (۱۳۹۴). روان شناسی یادگیری، چاپ دوازدهم. انتشارات روان.

سیف، علی اکبر (۱۳۹۴). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزشی، چاپ هفتم، ویرایش هفتم. انتشارات دوران.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۰). روان شناسی عمومی انسان برای انسانی برخوردار از طبیعت چندانگانه! اما واحد! چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۴). روان شناسی تربیت و تدریس (آموزش-پرورش)، چاپ دوم. انتشارات اطلاعات.

قربان نژاد، علی (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی رویکرد مشاوره ای راه حل مدار گروهی بر افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.

گنجی، حمزه (۱۳۸۸). روان شناسی عمومی، چاپ پنجاه دوم، ویرایش پنجم. نشر ساوالان.

مک کومبز، باربارا و پاپ، جیمز (۱۳۸۸). پرورش انگیزه در دانش آموزان: توصیه‌هایی عملی برای معلمان، ترجمه صغری ابراهیمی قوام، چاپ سوم. انتشارات رشد.

Baron, R. (1992). *Psychology* (2nd Ed.). Needham Heights, MA: Allyn & Bacon.

Bell-Gredler, M.E. (1986). *Learning and instruction: Theory into practice*. New York: Macmillan.

Clifford, M. M., Cleary, T. A., & Walster, G. W. (1972). Effects of emphasizing competition in classroom testing procedures, *Journal of Educational Research*, 65, 234-238.

Combs, A. (1962). Motivation and the growth of self. In *Perceiving, behaving, and becoming*. Association for Supervision and Curriculum Development yearbook (pp. 83-98). Washington, DC: National and Education Association.

Cruikshank, D.R., Jenkins, D.B., & Metcalf, K.K. (2006). *The act of teaching*. New York: McGraw-Hill.

Domjan, MP. (1997). *Principles of Learning and Behavior* (4th ed.), Wadsworth, USA.

Festco, T., & McClure, J. (2005). *Educational psychology: An integrated approach to classroom decisions*. New York: Pearson.

Fiske, S. T., & Taylor, S. E. (1984). *Social Cognition*. Reading, MA: Addison-Wesley.

Gage, N.L., & Berliner, D.C. (194). *Educational psychology* (3rd Ed.). Hopewell, NJ: Houghton Milflin.

Michaels, J. W. (1977). Classroom reward structures and academic performance. *Review of Educational Research*, 47, 87-98.

Moreno, R. (2010). *Educational psychology*. New York: John Wiley & Sons.

Morris, C. (1988). *Psychology: An introduction* (6th Ed.). Upper saddle River, NJ: prentice Hall.

Page, E. B. (1958). Teacher comments and student performances. *Journal of Educational Psychology*, 49, 173-181.

Slavin. R. E. (1991). Synthesis of research on cooperative learning, *Educational Leadership*, 48 (5), 71-82.

Weiner, B., Graham, S., Taylor, S., & Meyer, W. (1983). Social cognition in the classroom. *Educational Psychologist*, 18, 109-12-1.

Weinstein, R. (1998). Promoting positive expectations in schooling. In N. Lambert & B. MeCoinbs (Eds.), *how student learn: Reforming schools through learner-centred education* (pp. 81-111). Washington, DC: American Psychological Association.

Woolfolk, A.E. (2004). *Educational psychology* (9th Ed.). Boston: Allyn and Bacon.